

بازشناسی هنر نقاشی پیکرنگاری درباری از مظفرالدین شاه در دوره انتهای قاجار*

چکیده

بیان مسئله: هنر پیکرنگاری درباری از هنرهای اصلی دوره قاجار است که تا دوره مظفرالدین شاه نیز ادامه داشته است برخی از آثار این دوره پیکر نگاره‌ها، به ویژه پیکرنگاری درباری از مظفرالدین شاه که تا کنون، چندان مورد توجه نبوده‌اند. محور کار پژوهش حاضر مطالعه هنر نقاشی پیکرنگاری درباری دوره مظفرالدین شاه و بررسی نمونه‌های متنوع نیم تنه و تمام‌قد ارائه شده از او است. بر همین اساس در این پژوهش سؤال اصلی پژوهش حاضر به این قرار است: نقاشی‌های پیکرنگاری دوره مظفرالدین شاه قاجار، دارای چه ویژگی‌های ساختاری و محتوایی هستند؟

هدف: شناخت آثار هنر پیکرنگاری درباری دوره مظفرالدین شاه به صورت نیم تنه و تمام‌قد از اهداف این پژوهش است.

روش پژوهش: پژوهش پیش رو توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نمونه‌های تصویری موزه‌ای صورت گرفته است.

یافته‌ها: پژوهش حاضر نشان می‌دهد تلفیق هنر و سیاست در نقاشی‌های دوره مظفرالدین شاه قاجار از طریق به‌کارگیری نمادهای قدرت در تصاویر، در ادامه سنت‌های تصویری دوره‌های قبل است. به‌کارگیری فراوان نقاشی پیکرنگاری در همه دوران قاجار را می‌توان تلاشی در جهت مشروعیت بخشیدن به سلطنت دانست، برخی از این نقاشی‌ها نیم تنه و برخی پیکرنگاری تمام‌قد هستند و تأثیر عکاسی و طبیعت‌پردازی واقع‌گرایانه غربی در نقاشی‌ها دیده می‌شود.

کلیدواژه

قاجار، نقاشی، پیکرنگاری درباری، مظفرالدین شاه

۱. دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

Email: e.panjebashi@alzahra.ac.ir

* این مقاله حاصل از هسته پژوهشی تصویر شده در دانشگاه الزهرا (س) با عنوان پیکرنگاری درباری دوره قاجار می باشد.

مقدمه

هنر دوران قاجار هنری سیاسی و تحت حمایت دربار قاجار در دوران‌های مختلف بوده است. در دوره مظفرالدین شاه نیز همچون دوره‌های پیشین، از هنر پیکرنگاری، برای مشروعیت بخشی به سلطنت و اهداف سیاسی، آخرین بار، پیکرنگاری‌های نقاشی شده از شاه تهیه و موقعیت متمایز آن به صورت تصویری متأثر از عکاسی دیده می‌شود. نقاشی‌های پیکرنگاری این دوران متأثر از هنر عکاسی بوده و جنبه نقاشی با اهمیت، سیاسی، مادی و تزئینی داشته است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه نقاشی‌های پیکرنگاری شده دوره مظفرالدین شاه قاجار و بررسی نمونه‌های آن به صورت نیم‌تنه، تمام‌قد در انتهای دوره قاجار است. پرسش پژوهش حاضر نیز به این می‌پردازد نقاشی‌های پیکرنگاری درباری از مظفرالدین شاه قاجار به لحاظ ساختاری دارای چه ویژگی‌های بصری می‌باشد؟ تغییرات این نقاشی پیکرنگاری در انتهای دوره قاجار بررسی می‌شود. ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر نیز در این مورد است که پیکرنگاری دوران مظفری به صورت مستقل مورد بررسی واقع نشده و از جهت تقلیدپذیری آن از نقاشی غربی، عکاسی امری مورداهمیت در هنر پیکرنگاری درباری دوره قاجار است و این مهم دارای اهمیت و شایسته بررسی می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده است و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) صورت گرفته است و در راستای شناخت نقاشی‌های پیکرنگاری درباری، در انتهای دوره قاجار، از مظفرالدین شاه قاجار شکل گرفته است. ماهیت اطلاعات در پژوهش حاضر به دسته‌بندی نقاشی‌های پیکرنگاری دوره مظفری می‌پردازد و ساختار و ویژگی‌های آن را بررسی می‌نماید. جامعه آماری پژوهش حاضر، نمونه نقاشی‌های بررسی شده مظفرالدین شاه قاجار، به صورت نیم‌تنه و تمام‌پیکره در ایران و خارج از آن بوده و تصاویر از سایت‌های حراج آثار هنری قاجار، همچون «بونامز^۱»، «ساتبیز^۲»، «کریستیز^۳» تهیه شده است. این آثار با تکیه بر مبانی هنرهای تجسمی و ساختار بصری نقاشی‌ها واکاوی و بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون تعداد معدودی از پژوهشگران تاریخ و هنر به موضوع نقاشی‌های قاجار پرداخته‌اند، اما این پژوهش‌ها تنها به معرفی نقاشی‌های دوره فتحعلی شاه تا ناصرالدین شاه در این دوران پرداخته است و پیکرنگاری از مظفرالدین شاه در نقاشی‌ها مورد بحث پژوهشگران ایرانی و خارجی، اندکی به دلیل کوتاهی سلطنت مظفرالدین شاه، نبوده است. همین موضوع جنبه نوآوری پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. در ادامه، به معرفی پژوهش‌های پیش‌گفته در مورد مظفرالدین شاه پرداخته می‌شود؛ همچنین در مقاله «رجائی» (۱۳۸۹) با عنوان «انگیزه دادن نشان زانوبند به مظفرالدین شاه» به سفر ناصرالدین شاه به لندن و اتفاقات آن اشاره شده است. «نبی سلیم و ریاضی» (۱۳۹۷) نیز در مقاله «سفر اروپایی مظفرالدین شاه و ره‌آورد هنری آن» به سه سفر مظفرالدین شاه و ورود تکنولوژی صوت و صدا به ایران پرداخته‌اند. نیز «احمدپناهی» (۱۳۷۹) در کتاب «مظفرالدین شاه قاجار: خودکامه کوچک» به زندگی مظفرالدین شاه و وقایع اتفاقات او پرداخته است. «رضوانی» (۱۳۷۱) در مقدمه «سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان» به خاطرات ظهیرالدوله در سفر با مظفرالدین شاه پرداخته‌اند. «کریم‌زاده تبریزی»

(۱۹۹۱) در کتاب «زندگی و هنر نقاشان قدیمی ایران» به هنرمندان دربار مظفری اشاراتی داشته است. «فائادان» (۱۳۸۳) در کتاب «عتبات عالیات عراق» به دفن مظفرالدین شاه در کربلا اشاره داشته است. کتاب «کاشانی» (۱۳۶۱) «سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ» نیز به سفرهای او می‌پردازد که از زبان او و به خط منشی‌اش نگاشته شده است. در دو کتاب «Raby» (۱۹۹۹) و «Diba» (۱۹۹۸) نیز دو نقاشی از مظفرالدین شاه مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب مربوط به مطالعه آثار پیکرتکاری مظفری اندک بوده و این زمینه پژوهشی علی‌رغم اهمیت مورد غفلت، نسبت به دیگر دوره‌های هنر قاجار، واقع شده است و بیشتر به زندگی و دوران ولیعهدی و سه سفر او پرداخته شده و به‌خصوص در مورد نقاشی‌های پیکرتکاری از او پژوهشی جدی انجام نگرفته است؛ بنابراین در پژوهش حاضر، سعی می‌شود با بهره‌گیری از منابع مرتبط و استفاده از نمونه‌های موجود در هر دوران به بررسی علمی و تحلیل ویژگی‌های ساختاری نقاشی‌های پیکرتکاری از این دوره پرداخته شود.

مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴) ه.ق / (۱۸۹۶-۱۹۰۷) م

مظفرالدین شاه قاجار (۵ فروردین ۱۲۳۲ / ۱۸ دی ۱۲۸۵) پنجمین پادشاه دوره قاجار است. او پس از ترور ناصرالدین شاه و چهل سال انتظار سلطنت، یک روز مانده به پنجاهمین سال سلطنت از تبریز به تهران آمد. او فرزند «شکوه‌السلطنه»، سومین همسر عقدی «ناصرالدین شاه»، بود. از دوران حضور مظفرالدین شاه در تبریز مواردی گزارش نشده است. ناصرالدین شاه در بحبوه جانشینی، پسر چهارساله مریض‌احوالی به نام مظفرالدین شاه از همسری قاجار داشت که بنابر وجوب قانونی، به‌خاطر نسب مادری قاجار، تنها پسر واجدالشرايط برای جانشینی بود (امانت، ۱۳۹۸، ص. ۴۲۴). مظفرالدین میرزا با آنکه مادری قاجار داشت، علیل مزاج و به‌حدی مورد تنفر پدر بود که او را در کنج اندرون انداخته بودند تا از نظر شاه دور باشد (امانت، ۱۳۹۸، ص. ۴۳۲). شاه‌مرگی در ایران همواره دلهره‌آنی هرج‌ومرج را به‌دنبال داشت و بدون شک در مواجهه با چنین عواقبی بود که «امین‌السلطان» ترتیب داد جسد شاه را مخفیانه از درون صحن بیرون ببرند و در کالسکه سلطنتی بنشانند. در بازگشت به کاخ گلستان خودش نیز در کنار جسد شاه نشسته و اندام بی‌جان او را به حرکت درآورد؛ گویی برای مردم دست تکان می‌دهد. امین‌السلطان به‌سرعت مقدمات لازم برای انتقال آرام تاج و تخت را فراهم آورد. ابتدا با وزرای مختار روسیه و انگلستان به مشورت پرداخت و هر دو تعهد دولتین متبوع خود را نسبت به جانشینی مظفرالدین میرزا تأیید کردند و از او خواستند از شاهزادگان خاندان سلطنتی و از همه مهمتر «ظل‌السلطان» را وادارد، وفاداری خود را به شاه جدید اعلام کنند (امانت، ۱۳۹۸، ص. ۵۷۴). از زمان کشته شدن ناصرالدین شاه تا جلوس مظفرالدین شاه، چهارروز طول کشید و طی این مدت «علی‌اصغر خان اتابک» آخرین صدر اعظم ناصرالدین شاه امور کشور را به‌دست داشت. او در عمارت بادگیر تاج‌گذاری نمود و دو ماه پس از رسیدن به سلطنت، «میرزا رضای کرمانی»، قاتل ناصرالدین شاه، را در میدان مشق به دار آویخت. مظفرالدین شاه در سال اول سلطنت خود امین‌السلطان را از مقام سلطنت عزل و پیشکار سابق خود در تبریز، «میرزا علی خان امین‌الدوله»، را به‌جای وی انتخاب کرد، ولی چون او تفکر غرب‌گرایی و تجدد داشت با مخالفت علما روبه‌رو شد و برکنار گردید. او سپس «محسن خان مشیرالدوله» را انتخاب کرد، ولی پس از سه ماه، امین‌السلطان را به‌عنوان صدارت منصوب کرد (احمدپناهی، ۱۳۷۹، ص. ۲۴-۲۶). از رویدادهای مهم دوران مظفری، ورود نخستین «سینماتوگراف» به ایران است. صدای مظفرالدین شاه قدیمی‌ترین صدای ضبط شده در اسناد ایران می‌باشد (<https://iranicaonline.org>).

مظفرالدین شاه قاجار در روز ۱۸ دی ۱۲۸۵ در سن ۵۳ سالگی درگذشت. براساس وصیتش او رادر کربلا به خاک سپردند. قبر او داخل رواق فقیهان یا رواق پادشاهان واقع و روی آن با موزاییک فرش شده است (قائدان، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۴). مظفرالدین شاه در سنی به پادشاهی رسید که وضع مزاجی او مساعد با احراز چنین مقامی نبود. وی که پیوسته ناخوش و بیمار بود، از ویژگی‌های لازم برای کشورداری بی بهره بود، با سیاست‌های روزگار خود آشنایی نداشت و از نظر دولت‌های استعماری، به‌ویژه روسیه و انگلیس به ایران، یکسره بی اطلاع بود. دور و بر او را هم گروهی طماع و پول پرست گرفته بودند که جز منافع شخصی به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. این جماعت پس از قتل ناصرالدین شاه همراه ولیعهد از تبریز به تهران آمدند و براین تصور بودند که خزانه شاهی آکنده از طلاست و چون با صندوق‌های خالی روبه‌رو شدند، ناچار دست به فروش اسباب و اثاث سلطنتی گذاشتند. این‌ها که تمام شد و دیگر چیزی در بساط باقی نماند که به‌معرض فروش درآید، به‌دست و پا افتادند که از روسیه یا انگلیس وامی دریافت و صرف هوس بازی‌های خویش کنند (رجائی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۶). دوره زمامداری او، یکی از مهمترین ادوار و اثربخش در تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران است که از جهات مختلف حائز اهمیت است. آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن و نمودهای فرهنگ و تمدن غرب سخت و درخور اعتناست، چراکه نه تنها برانتقال برخی دستاوردهای مادی و معنوی اروپا به ایران، بلکه به نوآوری و اقتباس خلاقانه از مظاهر و پدیده‌های غربی منجر شده است. براساس مستندات موجود، یعنی سفرنامه‌های ایرانیان فرنگ‌رفته، در سده ۱۹-۲۰ م یکی از بیشترین مکان‌هایی که مورد بازدید سیاحان ایرانی بود، سالن‌های تئاتر در کشورهای اروپایی بوده است (نبی سلیم و ریاضی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). با بر تخت نشستن مظفرالدین شاه، در ادامه راه ناصرالدین شاه و دیدار از فرهنگ و تمدن غرب دنبال شد. شاه قاجار علاوه بر تاج و تخت شاهی، علاقه به تفریح و خوشگذرانی، عشق به سفر داشت و در طول دوران ده ساله سلطنتش در فواصلی نزدیک به هم به اروپا سفر کرد. بهانه او استفاده از آب‌های معدنی و شفا بخش کوه‌های آلپ برای مداوای رماتیسم خود بوده است. او از طریق استقراض از بانک‌های روس و انگلیس در قبال اعطای امتیازات فراوان به انجام این سفرها پرداخت (نبی سلیم، ریاضی، ۱۳۹۷، ص. ۸۰). او سه سفر به اروپا داشت: ۱. سفر اول ۱۳۱۸ ه.ق/۱۲۷۹ م، ۲. سفر دوم ۱۳۱۹ ه.ق/۱۹۰۱ م، ۳. سفر سوم ۱۳۲۳ ه.ق/۱۲۸۴ م (تصاویر ۴ تا).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱. مظفرالدین شاه به‌همراه شاهزاده ولز، بعداً، پادشاه جورج پنجم. در توضیح این عکس آمده است: ولیعهد انگلیسی، در مارلبورو میوز، قصری که محل توقف والاحضرت شاهنشاهی بود، انداخته شد. ولیعهد انگلستان، در مارلبورو میوز [خانه مارلبورو]، کاخی که محل توقف اعلی حضرت، پادشاه بود، گرفته شد. منبع: <https://bohnams.com>



تصویر ۲. مظفرالدین شاه با شاهزادهٔ ولز، بعدها، شاه جورج پنجم. امین‌السلطان و دیگر مقامات ایرانی. در توضیح این عکس آمده است: در لندن، در مارلنتو میوز، قصری که محل توقف والاحضرت شاهنشاهی، روحانا فدا، بود، انداخته شد، «در لندن در مارلبرو میوز [خانهٔ مارلبرو]، گرفته شد، قصری که توقفگاه ما بود. مقام اعلی حضرت، پادشاه، جان ما فدای او باد. منبع: <https://bohnams.com>



تصویر ۴. عکس دسته جمعی با مظفرالدین شاه، اعضای خانوادهٔ سلطنتی بریتانیا و مقامات ایرانی، شرح عکس: در قایق بادبانی ویکتوریا آلبرت در بندر پورتسموث، در ۲۰ اوت ۱۹۰۲. منبع: <https://bohnams.com>



تصویر ۳. مظفرالدین شاه در کشتی سلطنتی به همراه ادوارد هفتم و ملکه الکساندرا. توضیح عکس: در کشتی موسوم به ویکتوریا و آلبرت، در بندر پورتسموس، ۲۰ ماه اوت ۱۹۰۲، اندخته شد. این چهره‌ها عبارتند از: علیاحضرت، ملکهٔ انگلستان، اعلی حضرت، پادشاه انگلستان. منبع: <https://bohnams.com>

مظفرالدین شاه قاجار، بتدریج متأثر از مظاهر تمدن غرب در فرهنگ و جامعه ایرانی، به سوی مشروطیت پیش رفت و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوره مظفرالدین شاه عدل مظفر و آغاز مشروطیت در ایران بود. گاهشمار زندگی او در **جدول ۱** خلاصه می‌شود.

جدول ۱. گاهشمار تاریخی زندگی مظفرالدین شاه قاجار. منبع: نگارنده.

مظفرالدین شاه	سال تولد و وفات	دوران حکومت	سفرها به اروپا	اتفاق مهم زندگی
پدر: ناصرالدین شاه قاجار مادر: شکوه السلطنه زن سوم و عقدی	(۱۳۱۳-۱۳۲۴) ق.ه / ۱۸۹۶-۱۹۰۷ م دفن: کربلا	۱۰ سال	سفر اول ۱۳۱۸/ق.ه/۱۲۷۹ م سفر دوم ۱۳۱۹/ق.ه/۱۹۰۱ م سفر سوم ۱۳۲۳/ق.ه/۱۲۸۴ م	۱۲۸۵ ه.ق ماده پنج: عدل مظفر مشروطیت

هنر پیکرتکاری و نقاشی از مظفرالدین شاه در دوران قاجار

هنر پیکرتکاری در دوره قاجار از اهمیت سیاسی برخوردار بوده است و در زمان شاه‌های مختلف دوره قاجار، پیکرتکاری درباری و چهره‌نگاری به لحاظ اهمیت سیاسی بسیار مورد توجه شاهان قاجار بوده است. ترسیم تصویر شاه در اندازه‌های مختلف و با ابعاد و ویژگی‌های متنوع از مشخصه‌های اصلی هنر این دوران است. در دوره قاجار با ورود اروپاییان و دیپلمات‌ها به ایران در قرن نوزدهم میلادی، هنر ایرانی دوره قاجار که ریشه در هنر دوره‌های قبل این دوران داشت با تغییرات و تأثیرات اروپایی و تحولات غربی در هنر پیکرتکاری درباری این دوران متجلی می‌شود. با مرگ فتحعلی شاه قاجار، ملقب به «خاقان»، پیکرتکاری درباری از اهمیت آن کاسته شد و در دوره محمد شاه با تغییراتی همراه گشت و در دوره ناصری با ظهور هنرمندانی همچون «ابوالحسن غفاری»، «مزمین‌الدوله»، «محمد غفاری»، سبک هنری پیکرتکاری درباری با تأثیرپذیری از هنر غرب، عکاسی، هنرمندان تحصیل کرده در غرب و دارالفنون، سبک هنری متفاوتی پیدا کرد که در هنر نقاشی پیکرتکاری دوره مظفری نیز راه یافت و از تحولات هنری این دوران می‌توان به نقاشی نیم‌تنه‌نگاری و تمام‌قدنگاری از مظفرالدین شاه با تأثیرپذیری از هنر عکاسی اشاره کرد که در دوره ناصری آغاز شده بود و یکی از زمینه‌هایی است که متأثر از سفرهای سه‌گانه مظفرالدین شاه به غرب می‌توان جستجو کرد. با روی کار آمدن مظفرالدین شاه، اتفاقات جدیدی در عرصه فرهنگ و هنر ایرانی روی داد و سفرهای سه‌گانه او به اروپا و غرب، دیدن تغییرات و دستاوردهای آن، ذهن شاه را متحول ساخت و علاقه‌مندی به فرهنگ غرب و پیشرفت‌های آن منجر به اتفاق بزرگی شد که در این دوران رخ داد و گرایش به هنر غرب و صنعت عکاسی و پرداختن به هنر دوران ناصری و دستاوردهای آن در فرهنگ تصویری دوره مظفری راه یافت.

نیم‌تنه‌نگاری از مظفرالدین شاه قاجار

نقاشی از مظفرالدین شاه قاجار (۱۸۹۶-۱۹۰۷) با امضای نقاشی «مهدی» (تصویر ۵)، شاید نقاش سلطنتی، اواخر ۱۹/ اوایل قرن ۲۰ رنگ و روغن روی بوم، روی قاب بیضی نقاشی شده، امضا شده با خط نستعلیق به رنگ قرمز در سمت راست پایین بیضی. نوشتار بیشتر به رنگ سفید، در مرکز، پایین ۷۰×۶۰ سانتیمتر. این نقاشی در مجموعه خصوصی اروپایی به شرح زیر نگاهشده شده است: «تمثال مبارک اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار»، «تصویر مبارک اعلی حضرت، مقدس‌ترین، اوج پادشاه شاهان، مظفرالدین شاه قاجار». در این امضا آمده است: جان‌نثار مهدی، نقاش مخصوص، «مهدی فداکار، نقاش سلطنتی». معروف‌ترین نقاش به نام مهدی، به‌عنوان نقاش پرتره دوره قاجاریه، در زمینه رنگ‌آمیزی، آبرنگ و سیاه‌قلم ثبت شده است. از آثار مشخص شده او چنین برمی‌آید که او در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، نقاش اصلی (نقاش‌باشی) و نقاش سلطنتی (نقاش

مخصوص) در زمان مظفرالدین شاه قاجار بوده است. او در سال ۱۳۱۴ ه.ق لقب مصورالملک را دریافت کرد. آثار مشخص شده او بین سال‌های ۱۳۰۹ ه.ق/ ۱۸۹۱-۱۸۹۲ م و ۱۳۲۲ ه.ق/ ۱۹۰۴-۱۹۰۴ م است که بسیاری از آن‌ها در کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود (کریم‌زاده تبریزی، ۱۹۹۱، ج ۳، ص. ۱۲۴۷-۵۱). آثار او با تعبیر (جان‌نثار) بین سال‌های ۱۳۰۹ ه.ق/ ۱۸۹۱-۱۸۹۲ م و ۱۳۱۳ ه.ق/ ۱۸۹۵-۱۸۹۶ م، و عبارت «نقاش سلطنتی» (نقاش مخصوص) در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ ه.ق/ ۱۸۹۵-۱۸۹۶ م. اگر این همان مهدی باشد، پس ممکن است این پرتره در سال ۱۳۱۳ ه.ق قبل از کسب عنوان مصورالملک در ۱۳۱۴ ه.ق/ ۱۸۹۶-۱۸۹۷ م کشیده شده باشد. با این حال، شاه به‌عنوان مردی بسیار جوان‌تر به تصویر کشیده می‌شود که شبیه ظاهر او در عکس‌های دهه ۱۸۷۰ م است <https://christies.com>



تصویر ۶. نقاشی از مظفرالدین شاه قاجار، ایران، با امضای نقاش سلطنتی «مصورالملک»، قیمت: ۱۰۵۰۰ پوند، ۱۲۰۱۰ دلار آمریکا، ۱۱۶۶۹ یورو، شماره موزه: ۸۷۰۷۱۳SA، تاریخ: قرن نوزدهم م، گالری. منبع: <https://sellingantiques.co.uk>



تصویر ۵. نقاشی از مظفرالدین شاه قاجار (۱۸۹۶-۱۹۰۷)، شماره موزه‌ای: R۳۸LOT، ایران، امضای «مهدی»، شاید نقاش سلطنتی، اواخر قرن نوزدهم م/ اوایل قرن بیستم م، با نوشته: «تمثال مبارک اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار». منبع: <https://bohams.com>

نقاشی نفیس اواخر قرن نوزدهم/ اوایل قرن بیستم با رنگ روغن روی بوم از مظفرالدین شاه (تصویر ۶)، در قاب بیضی شکل نقاشی شده، با امضای خط نستعلیق، مصورالملک، پایین سمت چپ، دارای ابعاد: ارتفاع: ۶۸ سانتیمتر، عرض: ۵۸،۵ سانتیمتر، عرض: ۷،۵ سانتیمتر؛ بوم: H ۵۱ cm، W ۴۱ cm، D ۱،۵ cm. معروف‌ترین نقاش، به‌نام مهدی، به‌عنوان نقاش پیکرتناری درباری، در انتهای دوره قاجاریه در رنگ‌آمیزی، آبرنگ و سیاه‌قلم ثبت شده است. از آثار او چنین برمی‌آید که او در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، نقاش اصلی (نقاش‌باشی) و نقاش سلطنتی (نقاش مخصوص) در زمان مظفرالدین شاه بوده است. او در سال ۱۳۱۴ ه.ق لقب مصورالملک را دریافت کرد. آثار او بین سال‌های ۱۳۰۹ ه.ق/ ۱۸۹۱-۱۸۹۲ م و ۱۳۲۲ ه.ق/ ۱۹۰۴-۱۹۰۴ م است که بسیاری از آن‌ها در کاخ

گلستان تهران نگهداری می‌شود (کریم‌زاده تبریزی، ج ۳، ص. ۵۱). در سال ۱۳۱۳ پس از قتل ناصرالدین شاه، پس از بر تخت نشستن مظفرالدین شاه، کمال‌الملک نقاش‌باشی، پیکرنگار دوره قاجار، همچنان در نزد شاه جدید مورد احترام بود، چنانکه معیرالممالک در تأیید این مطلب نوشته است: «شاه از کمال‌الملک خواست که در وسط تصویر ناصرالدین شاه در ادوار مختلف از آغاز جوانی و ولیعهدی در دوران سلطنتش نقش شود. کمال‌الملک پرده‌ای از هر جهت عالی ساخته و تقدیم داشت. شاه را سخت خوش آمد، به وی گفت تا پاداش آن را تعیین کند. کمال‌الملک از شاه استدعا کرد تا او را برای تکمیل هنر نقاشی به اروپا روانه سازد. شاه وی را مشمول عنایت خاص داشته و روانه فرنگستان نمود» (سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸، ص. ۲۰). در سال ۱۳۱۸ که مظفرالدین شاه به فرنگستان رفت، در پاریس، کمال‌الملک نزد شاه رفت و نتیجه تحصیلات خویش را عرضه و گزارش کرد و مورد توجه شاه قرار گرفت و برحسب امر شاه چندی بعد به ایران بازگشت. مظفرالدین شاه به کمال‌الملک التفات زیادی داشته و نمونه‌ای از این التفات را در سفرنامه خود به فرنگستان به قلم آورده و در بازدید از موزه لوور چنین ذکر کرده است: «یک پرده نقاشی هم کمال‌الملک کشیده بود که واقعاً هیچ فرقی با اصل آن نداشت، خیلی ممتاز و خوب ساخته است» (سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸، ص. ۲۳).

تصویر ۷. پرتره نیم‌تنه مظفرالدین شاه قاجار، اثر کمال‌الملک با امضای خانه‌زاد؛ ۱۳۱۹ ه.ق / ۱۹۰۱-۲۰ م. محل نگهداری قبلی: کاخ گلستان، محل نگهداری فعلی: مجموعه آل صباح کویت، فروخته شده در حراج کریستیز ۲۰۰۰، <https://thealsabahcollection.com/>، رنگ و روغن روی بوم، شاه با یونیفورم با مدال‌های زیاد و کلاه سیاه با پر مرغ مینا، داخل کارتوش بیضی شکل، امضای زیر سمت چپ محمد کمال‌الملک. ۴۳×۳۱×۱/۲ اینچ (۸۰×۱۰۹،۵ سانتیمتر).

منبع: Adamova & Bayani, 2015, pp 508-510.



تصویر ۷ تنها پرتره نیم‌تنه‌ای است که کمال‌الملک می‌نویسد: «صورت مظفرالدین شاه را نیم‌تنه ساختم، انگشتر الماسی داد، ولی سایر سفارشات را قبول نکردم» (سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸، ص. ۱۷۷). روزنامه «شرافت» در این باره می‌نویسد: «تا در این ایام بندگان اقدس همایون به صرافت طبع مبارک یک قطعه نشان درجه اول شیر و خورشید خارجه و یک رشته حمایل سبز مخصوص آنکه از امتیازات جلیله اولیه دولت روزافزون است به افتخار معزی‌الیه مرحمت و مبدول فرمودند و منزلی مخصوص در دربخانه مبارکه نیز برای معزی‌الیه مقرر داشتند» (نوبی، ۱۳۶۶، ص. ۱۰۳). در سال ۱۳۱۹ ه.ق - ۱۲۸۰ خورشیدی تصویر کمال‌الملک زینت‌بخش روزنامه «شرافت» که در آن وقت از روزنامه‌های بسیار زیبا به‌طرز روزنامه «شرافت» در عهد ناصرالدین شاه منتشر می‌شد، گردید و شرح حال این هنرمند عالی‌قدر در شماره ۶۰ این روزنامه، به قلم محمدباقر اعتمادالسلطنه، چنین نگارش یافته

است: «هم در این دو روزه که جناب کمال‌الملک پرده تمثال عدیم‌المثال همایون شاهنشاهی را در منتهی درجه شباهت و امتیاز برحسب امر قضا نفاذ همایون اعلی ساخته بود، تقدیم حضور مهر ظهور مبارک داشته، مورد کمال تحسین و تمجید قبول خسروانی آمد و محض مزید سربلندی و افتخار معزی‌الیه یک حلقه انگشتری الماس گران‌بهای بسیار ممتاز که از امتیازات فاخره و مواهب خاصه سلطنتی است از جواهرخانه خاصه مبارکه، دربارۀ جناب معزی‌الیه مرحمت و مبذول فرمودند. اعتمادالسلطنه محمد باقر» (سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸، ص: ۲۸). در تاریخ مرداد ماه ۱۴۰۱ شمسی خروج پرتره پنجمین شاه قاجار، یعنی نقاشی مورد ذکر از کمال‌الملک (تصویر ۷) از تالار کاخ گلستان تأیید شد. عکس سیاه و سفیدی از تالار کاخ برلیان، این موضوع را مشخص کرد. در این نقاشی مظفرالدین شاه با یونیفرم نظامی که با مدال‌هایی زینت شده تصویر شده است. کلاه سیاه‌پردار و قبه جواهرنشان تصویر شده و زمرد بزرگی سینه او را تزیین کرده در تصویر دیده می‌شود. «رضا کسروی»، پژوهشگر تاریخ قاجار، که متوجه فقدان این اثر ارزشمند از روی عکسی از تالار برلیان می‌شود، معتقد است که این تابلو جزو اموال کاخ گلستان بوده است. کسروی عکس سیاه و سفیدی از تالار برلیان کاخ گلستان منتشر کرد که این تابلو به همراه تابلوی دیگری از احمد شاه (اثر کمال‌الملک اکنون در تالار عاج در معرض دید است) و تابلوی سومی از محمدعلی شاه که از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست، در آنجا آویخته شده بوده است. اصل این عکس در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در تهران نگهداری می‌شود، محدوده تاریخ عکس سیاه و سفید، بین ۱۳۳۱ ه.ق تا انقراض قاجاریه در ۱۳۴۴ ه.ق / ۱۳۰۴ خورشیدی تخمین زده می‌شود. چون تابلوی احمد شاه، اثر کمال‌الملک، که در عکس دیده می‌شود، تاریخ ۱۳۳۱ ه.ق را دارد و قابل قبول نیست که پس از خلع احمد شاه در ۱۳۴۴ ه.ق پرتره او در تالار آویزان باشد. مدیرکل موزه‌های میراث فرهنگی «ادیب‌زاده»: تابلو با مشخصات، اندازه و قاب در تاریخ ۱۳۱۲ ش جزو اموال بنای درونی ناصرالدین شاه یا خوابگاه ناصری ثبت شده است. در دوره رضا شاه، این تابلو جزو اموال وزارت دارایی ایران درآمد. این ساختمان تا سال ۱۳۳۵ پابرجا بوده است. خوابگاه ناصری در سال ۱۳۴۰ شمسی، یعنی دوره پهلوی دوم تخریب می‌شود. به گفته مدیرکل موزه‌های میراث فرهنگی ادیب‌زاده، این تابلو پیش از سال ۱۳۱۲ شمسی به همراه سایر تابلوی شاهان قاجار از تالار آینه از کاخ خارج شده و به بنای خوابگاه منتقل شده و در دفتر سال ۱۳۱۷ شمسی مجدداً این تابلو جزو اموال انتقال به خوابگاه کاخ گلستان ثبت شده است. در دفاتر سال شمس ۱۳۶۱ شمسی که مربوط به وزارت فرهنگ و هنر وقت است، هیچ نشانی از نام تابلوی مذکور نیست. تابلو متعلق به کاخ گلستان بوده و در فاصله سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۶۱ از مجموعه کاخ خارج و از طریق قاچاق به خارج از کشور منتقل و به فروش رفته است (<https://tarikhirna.ir>). این نقاشی هم‌اکنون در دارالآثار اسلامیة در مجموعه خاندان آل صباح کویت نگهداری می‌شود. جستجوی صورت گرفته، در آرشیو ملی ایران، نشان می‌دهد اسناد وزارت دربار، در اوایل سلطنت احمد شاه قاجار ۱۳۲۸ ه.ق، به وضوح این تالار را جزو اموال سلطنتی ثبت کرده‌اند. این نقاشی با امضای مشخص کمال‌الملک از اسناد تصویری دوره قاجار و از نمونه اسناد مهم و اثر کمال‌الملک، در دوره مظفری و نیم‌تنه نقاشی مهمی از مظفرالدین شاه قاجار است.



تصویر ۹. مظفرالدین شاه (۱۸۹۶-۱۹۰۷): ایران، قاجار، حدود ۱۹۰۰، شماره موزه‌ای: ۸۰۰۰-۱۲۰۰۰ GBP، رنگ و روغن روی بوم. منبع: <https://bohnams.com>



تصویر ۸. مظفرالدین شاه قاجار (۱۸۹۶-۱۹۰۷)، اثر سید حسین، معروف به «میرمصور»، شماره موزه‌ای: لات R1۰۹، ایران، ۸×۶۴ سانتیمتر، مورخ ۱۳۳۰ ه.ق/ ۱۹۱۱-۱۹۱۲ م. منبع: <https://bohnams.com>

نقاشی از مظفرالدین شاه قاجار (۱۸۹۶-۱۹۰۷) **تصویر ۸**، اثر سید حسین، معروف به میرمصور، ایران، به تاریخ ۱۳۳۰ ه.ق/ ۱۲-۱۹۱۱ م، رنگ و روغن روی بوم، با امضای فارسی و تاریخ عربی و لاتین نوشته شده است. حروف میر مصور، در پایین، سمت چپ تصویر دیده می‌شود. این نقاشی در زمان احمدشاه قاجار، مورخ ۱۳۲۸ ه.ق/ ۱۹۱۰ م، بیست تا سی هزار پوند ارزش گذاری شده است (<https://bohnams.com>). پنجمین شاه قاجار، مظفرالدین شاه (۱۸۹۶-۱۹۰۷ م) در اینجا با یونیفورم نظامی با کلاه سیاه استراخانی با خط مربع نگین‌دار و نشان‌های الماس کار شده که به سینه او سنجاق شده است، به تصویر کشیده شده است. این نقاشی را می‌توان با پرداخت دیگری از شاه در مجموعه «الصباح»، کویت (**تصویر ۷**) با امضای محمد کمال‌الملک مقایسه کرد که احتمالاً همزمان با نسخه حاضر تصویر شده است که شاه را در یک قاب بیضی شکل، در سبک آکادمیک اروپایی نقاشی رنگ و روغن، سبکی که در دارالفنون نقاشی و تدریس می‌شده است، دیده می‌شود. واقع‌گرایی، سن مشابه و سایه هر دو پرتره نشان می‌دهد که آن‌ها براساس عکس نقاشی شده‌اند. عکسی که نقاشی حاضر براساس آن است در موزه بروکلین به شماره (۱۲۲، ۳، ۱۹۹۷) واقع شده است. تحلیل ساختاری نقاشی‌های نیم‌تنه پیکرتناری مظفرالدین شاه قاجار نشان می‌دهد که توجه به عناصر ایرانی در نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری کم شده و این امر نشان از وابستگی و تأثیر به نقاشی اروپایی و عدم تمایل به نقاشی ایرانی در هنر نقاشی می‌باشد. هدف اصلی در نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری مظفرالدین شاه در چهره‌نگاری صورت و چهره تحقق می‌یابد و تأثیرات عکاسی در چهره دیده می‌شود، همچنین اکثر نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری شده از مظفرالدین شاه دارای کلیشه‌ای بیضی‌شکل در اطراف چهره بوده که تمرکز بر چهره در آن تحقق می‌یابد و هدف اصلی تمرکز بر چهره و متأثر از هنر غربی و قاب‌های عکاسی این دوره می‌باشد. نقاشی از چهره، متناسب با رنگ کلیشه قاب‌بندی شده، اطراف چهره بوده و حالت چهار ترنج را در اطراف

چهره شاه قاببندی کرده است. در نقاشی این دوران، اهمیت زیبایی‌شناسی غربی در چهره‌نگاری و ساختار نیم‌تنه‌نگاری به‌گونه‌ای است که بر ساختار اصلی موضوع، یعنی چهره شاه تأکید می‌کند. پس‌زمینه نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری اکثراً ساده بوده و به‌جز در نمونه نقاشی (تصویر ۸) از رنگ‌های تخت و تیره و خنثی استفاده شده است که هنرمند آگاهانه از بعد نمایی و تأثیرگذاری بر چهره خودداری کرده است. نیم‌تنه‌نگاری تحت تأثیر هنر غربی، در هنر نقاشی پیکرتکاری دوره مظفری، به‌صورت نقشی پیوسته به‌تصویر درآمده است. انسجام و ساختار این نقاشی‌ها نشان از همبستگی تفکر هنرمندان و سفارش و خواسته شاه از آنان می‌باشد که با تفکرات و سفارش شاه و دربار همخوانی دارد. این نیم‌تنه‌ها دارای شاخصه تزیین در چهره‌نگاری هستند و قاببندی دور کادر تصویر بیانگر فاصله گرفتن از هنر نقاشی ایرانی و اصول هنر سنتی در تصویر است. استفاده از کادر و حذف نقوش ایرانی، غرب‌گرایی، واقع‌گرایی در تصاویر، طراحی منسجم، کیفیت زیبایی بصری دوره مظفری و زیبایی‌شناسی غربی این دوران را نشان می‌دهد. اضافه شدن قاببندی پنجره‌ای، به‌صورت بیضی‌شکل، در اطراف نقاشی (تصویر ۹)، در این دوران، در اکثر نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری، دیده می‌شود و از کیفیت بصری این دوران حکایت دارد.

پیکرتکاری تمام‌قد از مظفرالدین شاه قاجار

باتوجه به کتیبه نقاشی، مظفرالدین شاه، از طرف خداوند، چهره پر برکت از خالص‌ترین، نجیب‌ترین، اعلی حضرت ولیعهد که ممکن است شفاعت روح ما بر عهده او باشد، کسی که در آینده بر جای شاه می‌نشیند، مظفرالدین شاه ولیعهد دوره قاجار است. این نقاشی احتمالاً در تبریز زمانی که مظفرالدین شاه والی آذربایجان بود تصویر شده و چنانچه در تصویر ۱۰ دیده می‌شود مهر و موم رسمی و دولتی او، در نقاشی نشان داده شده است. به‌نظر می‌رسد در تصویر او با یکسری مدارک رسمی و نامه نشان داده شده است و برای او یک کاغذ رسمی، مهر و یک کیف فرستاده شده است. به‌نظر می‌رسد در این نقاشی مظفرالدین شاه در اواخر بیست‌سالگی و یا در اوایل سی‌سالگی است. تاریخ نقاشی ۱۸۸۰ م است که بر این سن صحت تاریخی می‌گذارد. نقاش اثر خود را با عنوان میرزا حسن خان امضا و معرفی کرده است که تا پیش از آن ناشناخته بوده است. با توجه به سبک کاری او به‌نظر می‌رسد در دارالفنون آموزش دیده باشد و از دانش‌آموختگان این مدرسه باشد. این نقاشی دارای برخی از شباهت‌ها به یک نقاشی که از شاهزاده مظفرالدین شاه در محدوده تاریخی همان زمان است که توسط کمال‌الملک کشیده شده است. یک نامزد احتمالی محمد حسن خان است که عنوان نقاش‌باشی به او توسط مظفرالدین شاه ولیعهد در تاریخ ۱۲۱۹ ه.ق / ۱۸۷۴ م لقب داده شده است. لقب خان، در سال بعد، پس از سپری کردن آیین و مراسم شاهنشاهی به آن اضافه شده است. متأسفانه کیفیت به‌دست آوردن این عنوان مشخص نیست؛ زیرا امضا تنها با خوشنویسی همراه است. آثار او معمولاً با شکل پرنده، پر از لایه‌های باشکوه سرسبز از گل و پرندگان کوچک پر شده است، اگرچه هیچ‌یک از این موارد نمی‌تواند سبک کاری محمدحسن خان را تأیید کند. ظاهراً نزدیک شاهزاده بودن در تبریز، اختصاص دادن عنوان و نام مناسب میرزا حسن خان را تأیید نمی‌کند. حقیقت این است که او امضای ساده حسن را به‌جای محمدحسن نیز استفاده کرده است (Raby, 1999, p. 69).



تصویر ۱۱. نقاشی از ولیعهد مظفرالدین شاه قاجار، منسوب به میرزا حسن خان، احتمالاً تبریز، ایران، ۷۱×۱۰۴ سانتیمتر، حدود ۸۰-۱۸۷۰، قیمت: حدود ۳۰۰۰۰ پوند در سال ۲۰۱۴ م.
منبع: <https://christies.com>



تصویر ۱۰. ولیعهد مظفرالدین شاه، میرزا حسن خان، احتمالاً تبریز، امضا حدود ۱۸۷۰ م، رنگ و روغن روی بوم، ۷۸×۱۰۸ سانتیمتر، دارای نوشته: هو، تصویر مبارک حضرت اقدس، اشرف ارفع والا ولیعهد، روحناه فداه، پایین سمت چپ، اثر: کمترین میرزا حسن خان. مجموعه: م. متقالجی. منبع: Raby, 1999, p. 69.

نقاشی از ولیعهد مظفرالدین شاه قاجار، منسوب به میرزا حسن خان (**تصویر ۱۱**)، احتمالاً تبریز، ایران، حدود ۸۰-۱۸۷۰، رنگ و روغن روی بوم، یک پیکرنگاری درباری که با شمشیر و عصایی در دست، روی صندلی طلاکاری شده مزین به مدال‌های متعدد خارجی و ملبس به کتی با گلدوزی فراوان است که روی پس‌زمینه آبی ساده نشسته است. پرترة بسیار نزدیک از مظفرالدین با کتیبه شناسایی و امضای میرزا حسن خان در مجموعه م. متقالجی موجود است (**تصویر ۱۰**) (Raby, 1999, pp. 68-69). هر دو نقاشی مظفرالدین را نشان می‌دهند که روی صندلی با تزئینات طلاکاری شده و پاهایش روی هم نشسته است. این نقاشی ولیعهد را در لباس رسمی نشان داده که کت تشریفاتی و رسمی مزین به مدال‌هایی از جمله نشان سنت اندرو روسیه، لژیون دونور فرانسه و دو مدال ایرانی را روی سینه شاه به تصویر کشیده است. این نقاشی احتمالاً در زمانی که ولیعهد استان‌دار آذربایجان بوده در تبریز اجرا شده است و به **تصویر ۱۰** شبیه است (<https://christies.com>).



تصویر ۱۲. مظفرالدین شاه، در ولیعهدی؛ اثر محمد غفاری، رنگ و روغن، ابعاد نامشخص. منبع: سهیلی خوانساری، ۱۳۶۸، ص. ۲۵۹.

تصویر ۱۳. نقاشی پیکرتناری رسمی از مظفرالدین شاه قاجار، بلژیک، ۱۹۰۵ م؛ نقاش: ایمی اسکار استیونز، نقاشی شده به مناسبت دیدار دولتی وی از بلژیک در سال ۱۹۰۵ م. ۲۱۰×۱۱۵ سانتیمتر. منبع: <https://bohnams.com>



این نقاشی پیکرتناری درخشان (تصویر ۱۳)، در اندازه واقعی، در سفر سوم و آخر مظفرالدین شاه به اروپا کشیده شده است. تغییرات چشمگیر هنر و سبک نقاشی قاجار را از آثار بسیار سبک نقاشی قرن نوزدهم میلادی، در ابتدای دوره قاجار، نشان می‌دهد. میل به تبعیت از قراردادهای مد و پوشش در مورد علاقه پادشاهان غربی، روندی که در دوران سلطنت محمد شاه در دهه ۱۸۴۰ آغاز شد، در این نقاشی زیبا، توسط هنرمند بلژیکی، «ایمه اسکار استیونز» (۱۸۷۹-۱۹۵۱م) به خوبی تصویر شده است. شاه در تراس هتل خود در بروکسل ایستاده و کت یک افسر اروپایی با سردوش، مدال و کوردون بلو پوشیده است و بازوی چپش را بر شمشیر لباس اروپایی تکیه داده است. کلاه سیاه مشخصه ایل قاجار و سبیل‌های نمادین او، به تقلید از شاه عباس بزرگ صفوی، تنها کنایه از میراث ایرانی او در تصویر نقاشی است. چنانچه ذکر شد، مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش ناصرالدین شاه سه بار به اروپا سفر کرد و حتی از نیکلاس دوم روسیه پول قرض کرد تا مخارج سفر خود را بپردازد. در پاریس به سینماتوگراف معرفی شد و بلافاصله به عکاسش میرزا ابراهیم خان دستور داد تا تجهیزات و دانش لازم را برای آوردن تصاویر متحرک به ایران به دست آورد. این رویداد در خاطرات سفر او ثبت شده است که گزارش مفیدی از سفرهای او ارائه می‌دهد. نشستن او با ایمه اسکار استیونز نیز چنین نوشته شده است: «در حالی که در بلژیک در بعد از ظهر پنجشنبه از پلکان هتل که هنرمندی منتظر بود که برای نقاشی پرتره ما آمده بود، بالا رفتیم» (روزنامه سفر دوم مظفرالدین شاه، ص. ۱۴۲) (کاشانی، ۱۳۶۱، ص. ۱۴۲).



تصویر ۱۴. مظفرالدین شاه و عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، عبدالحسین صنیع همایون، تهران، اوایل قرن بیستم، رنگ و روغن روی بوم، ۱۲۵×۸۰ سانتیمتر، مجموعه خصوصی، امضا به خط نستعلیق قرمز، در گوشه سمت چپ، «بنده درگاه نقاش‌باشی صنیع همایون قلم آهو». منبع: Diba, 1999, p. 270.



تصویر ۱۵. نقاشی پیکرتناری بزرگی از مظفرالدین شاه قاجار، ایستاده در فضای داخلی؛ اثر رضی طالقانی صنیع همایون، رنگ و روغن روی بوم، امضا شده با خط نستعلیق، پایین سمت راست، ۱۸۰/۵×۹۰ سانتیمتر. منبع: <https://bonahms.com>

این نقاشی **تصویر ۱۴** به وسیله هنرمند دربار مظفرالدین شاه، صنیع همایون (۱۹۲۱-۱۸۵۹ م) کار شده است. این نقاشی رنگ و روغن مظفرالدین شاه را نشان می‌دهد (۱۹۰۷-۱۸۹۶ م) که همراه با نخست‌وزیرش، شاهزاده عبدالمجید عین‌الدوله، در جلوی پله‌هایی که منجر به ایوان ستون‌داری می‌شود بازو به بازو ایستاده‌اند. شاه و وزیرش مشابه یکدیگر لباس پوشیده‌اند، کت فراگ خاکستری تیره و کلاه پوست سیاهی برای سرما، در حالی که هر دو عصا در دست دارند. چهره‌های هر دو پیرمرد با شباهت زیادی نشان داده شده است، شاه و وزیر سیمای مشابه و سبیل‌های بلند افتاده و سپید دارند. این تصویر دارای تضاد با چهره‌های مشابه با پدر شاه، ناصرالدین شاه قاجار و پیکرتناری اوایل دوره قاجار برای نمایش شکوه و عظمت، دارد. صنیع همایون در این تصویر هیچ تلاشی برای نشان دادن شکوه و عظمت دربار شاهانه نمی‌کند. او با تأکید بر لباس ساده شاه و نشان‌های سلطنتی فاخر بسنده می‌کند. در واقع لباس مشابه و چهره‌های نزدیک به وزیر، رابطه اتحاد و رفاقت دیرینه را نشان می‌دهد. مظفرالدین شاه در بیشتر سال‌های سلطنت خود به‌طور جدی بیمار بود و به‌شدت برای انجام امور دولتی به عین‌الدوله تکیه داشت. نخست‌وزیر مکاتبات شاه را سانسور می‌کرد، مسئول جواب‌گویی به خواسته‌ها بود و جلسات شاه را با دیگران کنترل می‌کرد. در این نقاشی، شاه بیمار نشان داده شده که با تکیه بر عصا ایستاده است. عصا در این نقاشی نمادی از دولت ضعیف و دربار مظفرالدین شاه است. عین‌الدوله همچنین فعالیت سیاسی بی‌نظم و پر سر و صدایی داشت. او در سال ۱۹۰۴ م صدر اعظم مظفرالدین شاه شد. او پس از طراحی کردن سقوط نخست‌وزیری امین‌السلطان از قدرت جای او را گرفت. دوران نخست‌وزیری او مصادف بود با اوج حرکت‌های مشروطیت، هر چند او از سلطنت‌طلبان وفادار و ضد مشروطه بود. این نقاشی با کیفیت نقاشی‌های دوره ویکتوریایی و متأثر از آن کار شده است و در سطح عالی کار شده است. در این اثر، اجرای چشم‌انداز پس‌زمینه تصویر و کوه‌ها که شاید رشته کوه‌های البرز باشد، با دقت تصویر شده است. تأکید بر صفات فردی، تفاوت‌های ظریف روانی افراد، نشان می‌دهد که صنیع همایون نه تنها از کار نقاشان سبک ویکتوریا، بلکه از عکاسان معاصر دوره خود نیز الهام گرفته است (Diba, 1999, p. 271). «کریم‌زاده تبریزی»، این هنرمند را با نام «رضی طالقانی صنیع همایون»، تذهیب‌کار و نقاش دوره قاجار، استاد در ترکیب‌بندی، ترکیب گل با صورت انسان و انواع حیوانات، معرفی می‌کند.


از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست: او اهل طالقان بوده و اغلب نام زادگاهش را در امضاهای خود به عنوان لقب ذکر می کند. او در تهران سکونت داشته است. تاریخ اثر او بین ۱۲۹۹ هجری قمری ۱۸۸۱-۱۸۸۲ و ۱۳۲۲ ه. ق/ ۱۹۰۴-۱۹۰۴ م است. این نقاشی ظاهراً تنها اثر ثبت شده او با رنگ و روغن است (کریم زاده تبریزی، ۱۹۹۱، ص. ۲۰۷-۲۰۶)، (Khalili, Robinson, Stanley, 1997, pp. 184-185). تصویر ۱۵ پیکرتناری بزرگ اثر رضی صنیع همایون در ابعاد بزرگ کار شده است. این نقاشی چنانچه به نظر می رسد، از روی عکس دیدار مظفرالدین شاه از انگلستان نقاشی شده است. شاه با همان لباس، تزیینات، جواهرات و جقه اضافه شده، عصای شاهی و حالت دست روی صندلی اروپایی به دقت و با جزئیات بازنمایی شده و تنها اندکی تغییر در فضای داخلی پس زمینه انجام شده است. این نقاشی مستند دیگری از تأثیرات عکاسی بر هنر پیکرتناری این دوران است. این اثر، به احتمال قوی، سفارشی از سوی مظفرالدین شاه به صنیع همایون نقاش دربار بوده است. هنرمند، در پایین اثر، در امضا با خط قرمز، خود را بنده درگاه رضی صنیع همایون ثبت کرده است و بر هنرمند دربار مظفرالدین شاه بودن صحنه گذاشته است. بازنمایی جزئیات، دقت در حالت شاه و رنگ های جذاب و درخشان، این اثر را یکی از بهترین نمونه های پیکرتناری تمام قد از مظفرالدین شاه قاجار معرفی کرده است. تحلیل ساختاری نقاشی های نیم تنه پیکرتناری مظفرالدین شاه قاجار نشان می دهد که بازتاب تأثیرات هنر غربی و عکاسی در هنر پیکرتناری دوره مظفری به خوبی دیده می شود. ارزیابی نقاشی های پیکرتناری درباری این دوره نشان می دهد که کیفیت بصری نقاشی های تمام قد این دوران متأثر از هنر عکاسی و عکس های به جای مانده از سفرهای مظفرالدین شاه به غرب می باشد. تصاویر نقاشی دوره ولیعهدی مظفرالدین شاه نشان می دهد از نقوش ایرانی در نمایش پارچه ها، فرش و لباس استفاده شده و در دوره ولیعهدی نشان از تأثیر مستقیم از هنر نقاشی ابتدایی دوره ناصرالدین شاه می باشد. نقش و نمایش بصری نقاشی های پیکرتناری تأثیرات الگوواره های دوره ناصری را نشان می دهد. عمق نمایی، پرسپکتیو، تأکید بر پیکرتناری در ابعاد بزرگ و انسانی از ویژگی های تجسمی پیکرتناری این دوران است. در نقاشی های تمام قد پیکرتناری درباری شاخصه های هنر دوره قبل دیده و تأثیرات هنر غرب و عکاسی نیز دیده می شود. پرسپکتیو، بعد و عمق نمایی عناصر بصری غربی همچون صندلی، سایه روشن های دقیق تمایل به هنر غربی را بیش از هنر ایرانی نشان می دهد. استفاده از پرسپکتیو و قاعده مندی هنر غربی از خصوصیات نقاشی پیکرتناری تمام قد نگاری از مظفرالدین شاه است که در نقاشی ها و پس زمینه آن ها دیده می شود. همچنین نقاشی که هنرمند غربی از مظفرالدین شاه کشیده و عکس های مستند از سفرهای او به اروپا نیز در قاعده مندتر شدن نقاشی پیکرتناری درباری دیده می شود. پس زمینه غربی، پیکرتناری غربی و نمایش شوکت شاهانه همچون دوره های قبل و حذف تزیینات ایرانی دیده می شود و زیبایی شناسی بصری غربی را نشان می دهد.

تحلیلی بر یافته های پیکرتناری درباری مظفرالدین شاه قاجار

در نقاشی پیکرتناری درباری دوره قاجار، از ابتدا تا انتها، همواره تأکید بر بازنمایی شکوه شاهانه یکی از ارکان تکرارپذیر در نقاشی ها بوده است. در دوره قاجار، نقاشان قاجاری در پی نمایش شکوه شاهانه بودند که در دوره مظفرالدین شاه نیز این امر در نقاشی های نیم تنه نگاری و تمام قد نگاری از او دیده می شود، هر چند در دوره انتهایی نمایش سادگی در لباس و تزیینات نشان می دهد این امر به سمت ساده نمایی پیش می رود و از شدت آن کاسته شده است. پژوهش حاضر با تأکید بر تصاویر نقاشی مشخص می کند در نقاشی های این دوره از مظفرالدین شاه، هنرمندان کوشیده اند نمایش واقع گرایانه تری متأثر از عکاسی و تحولات اجتماعی داشته باشند. هنرمند تلاش

داشته است چه در نیم‌تنه‌نگاری و تمام‌قدنگاری‌ها روبرداری از عکاسی را در تصویر به‌کار برده و به‌نظر می‌رسد این امر با هدف سفارش‌دهنده همخوانی دارد. این امر حتی در نقاشی که توسط هنرمند غیرایرانی «ایمی اسکار استیونز» نیز تصویر شده مطابقت دارد. در معرفی و واکاوی ویژگی‌های بصری نقاشی‌های نیم‌تنه‌نگاری، از اهداف هنرمندان تأکید بر چهره شاه و قاب‌بندی همچون هنر عکاسی است که در این دوره به‌صورت جدیدی دیده می‌شود. پیکرتکاری درباری دوره قاجار در این دوره از نقاشی رنگ و روغن استفاده کرده دارای شاخصه‌های شناخته شده دوره ناصری در هنر نقاشی است. پیکرتکاری از مظفرالدین شاه در این دوره کمتر از دوره‌های قبل است و در نقاشی‌های تمام‌قد شاه بیشتر ایستاده و تکیه داده به عصا یا صندلی کشیده شده است. در میان این آثار، اثر نیم‌تنه محمد غفاری از مظفرالدین شاه، با ساز و برگ شاهی و لباس نظامی و جواهرات مرصع آراسته شده و ساخت و پرداخت غربی هنرمند را نشان می‌دهد، از نمونه‌های هم‌روزگار خود بهتر بوده و در مقایسه با نمونه‌های دیگر هنرمندان در نیم‌تنه‌نگاری از مظفرالدین شاه جلب نظر می‌کند و در ردیابی دیگر آثار به‌نظر می‌رسد از این اثر تأسی و تأثیر گرفته شده است. متأسفانه این اثر که نمایش شکوه و عظمت مظفرالدین شاه است از دربار کاخ گلستان خارج و در معرض نگاه بینندگان در موزه «الصباح» کویت قرار گرفته است. در این آثار، شبیه‌سازی، تأثیر از هنر عکاسی و تحولات اجتماعی دیده می‌شود. چشم‌انداز طبیعت در دو نقاشی ایستاده مظفرالدین شاه در میان‌سالی دیده می‌شود که تأثیرات هنر غربی و بازنمایی طبیعت را در کنار سادگی لباس و شاهی ایستاده به عصا نشان می‌دهد. در دوره پایانی و نمایش میان‌سالی شاه سادگی در بازنمایی دیده می‌شود و در دوره میان‌سالی در چهره، لباس، زیورآلات و مدال‌ها برخلاف نیم‌تنه‌نگاری‌های دوره جوانی، نمایش چهره آرمانی‌تر بوده و در انتهای این دوره سادگی بیشتر است. در نقاشی‌های مظفرالدین شاه تقلید هنر غرب، تأثیرات گسترده هنر عکاسی، عدم استفاده از لباس‌های فاخر، جواهرات، ابزار و ادوات پراذین همچون دوره‌های پیشین دیده نمی‌شود. پرداختن به جزئیات بر مبنای واقع‌گرایی، سادگی و عدم انتقال پیام شوکت و عظمت دربار قاجار دیده می‌شود. این سادگی در لباس و کلاه شاه را می‌توان نشان از تحولات اجتماعی دوران دانست. بازنمایی در پرده‌های نقاشی دوره مظفری با نمونه عکس‌های این دوران مطابقت دارد. نقاشی‌های این دوره از مفاهیم نمادین و تمثیلی فاصله گرفته و واقع‌نمایی در آثار دیده می‌شود. در نقاشی‌های پیکرتکاری تمام‌قد مظفرالدین شاه، ارتباط هنر قاجار با اصول نقاشی دوره‌های پیشین به‌چشم می‌خورد و تصویر شاه در نقاشی برجسته است ارتباط و پیوستگی نقاشی‌های پیکرتکاری درباری دوره مظفری با تأثیر پذیری از هنر عکاسی و نقاشی غربی دیده می‌شود. بررسی پیکرتکاری‌های درباری دوره قاجار به‌رغم هنرمندان این دوره نشان می‌دهد ویژگی‌های برجسته این هنر بازنمایی دقیق، تأثیرپذیری از عکاسی و تأثیرات از نقاشی غربی است. ویژگی‌های نقاشی‌های دوره مظفری در نیم‌تنه‌نگاری و تمام‌قدنگاری در **جدول ۲ و ۳** خلاصه می‌شود.

جدول ۲. ویژگی نقاشی‌های نیم‌تنه درباری مظفرالدین شاه قاجار. منبع: نگارنده.

ویژگی نقاشی	سال	نام هنرمند	نام شاه	متن	پس‌زمینه	قاب‌بندی	تصویر
جوانی تأثیر نقاشی غربی و عکاسی	اوایل قرن ۲۰م	مهدی	ذکر شده است در پایین قاب	به رنگ سفید سیاه و قرمز	تخت	بیضی فضای قاب روشن دور چهره تیره	

ویژگی نقاشی	سال	نام هنرمند	نام شاه	متن	پس زمینه	قاب بندی	تصویر
جوانی تأثیر نقاشی غربی و عکاسی	حدود ۱۳۰۹ ه.ق	مصورالملک	ندارد	-	تخت	بیضی فضای قاب روشن دور چهره روشن	
میانسالی جوانی تأثیر نقاشی غربی و عکاسی	۱۳۱۹ ه.ق	محمد غفاری کمال الملک	-	-	تخت	بیضی فضای قاب روشن دور چهره تیره	
میانسالی جوانی تأثیر نقاشی غربی و عکاسی	نامشخص؟	نامشخص؟	-	-	تخت	بیضی فضای قاب تیره دور چهره روشن	
میانسالی جوانی تأثیر نقاشی غربی و عکاسی	۱۳۳۰ ه.ق	سید حسین	-	-	ابر و باد سایه و روشن	مستطیل بدون قاب	

جدول ۳. ویژگی نقاشی های تمام قد درباری مظفرالدین شاه قاجار. منبع: نگارنده.

ویژگی نقاشی	سال	نام هنرمند	نام شاه	متن	پس زمینه	تصویر
متأثر از نقاشی ایرانی. آرمان گرایی دارای نقوش ایرانی نشسته بر صندلی	حدود ۱۸۷۰ م	میرزا حسن خان	دارد با نستعلیق سفید	دارد نام و لقب شاه	ساده ابر و باد خاکستری	
متأثر از نقاشی ایرانی. آرمان گرایی در نمایش لباس و نقوش و مدال شاهانه نشسته بر صندلی	حدود ۱۸۷۰-۱۸۸۰ م	احتمالاً میرزا حسن خان	-	-	ساده ابر و باد آبی و خاکستری	
نقاشی غربی تأثیر از هنر عکاسی	۱۹۰۵ م	ایمی اسکار استیونز	-	-	منظره سازی اروپایی ساختمان منظره سازی	

تصویر	پس زمینه	متن	نام شاه	نام هنرمند	سال	ویژگی نقاشی
	<p>منظره‌سازی اروپایی ساختمان منظره‌سازی تأثیرپذیری از عکاسی در نوع ایستادن</p>	-	-	عبدالحسین صنیع همایون	اوایل قرن بیستم م	تأثیر از نقاشی غربی در بازنمایی فاصله از هنر ایرانی تأثیرپذیری از عکاسی
	<p>تأثیرپذیری از عکاسی و نمونه‌های غربی</p>	<p>امضای بنده درگاه رضی صنیع همایون</p>	-	رضی طالقانی صنیع همایون	اوایل قرن بیستم م	متأثر از نقاشی اروپایی و عکاسی واقع‌گرایی کپی‌برداری شده از عکس دیدار در انگلستان

نتیجه

نقاشی دوران مظفرالدین شاه در آستانه عبور از سنت‌های پیشین نقاشی ایرانی و تأثیرپذیری از هنر غرب، فرهنگ تصویری جدیدی را ارائه می‌دهد. با نفوذ فرهنگ و هنر غرب و استفاده از نقاشی برای تکمیل نقاشی، تک‌چهره و نیم‌تنه‌نگاری و نقاشی تمام‌قد پیکرتکاری اهمیتی ویژه می‌یابند. بازنمایی واقع‌گرایانه تصویر شاه همچون دوره‌های پیشین اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و دست‌خوش تغییراتی عمده در فرم و مضمون متأثر از شرایط اجتماعی می‌شود. ماهیت و ساختار نقاشی پیکرتکاری در این دوره با نگاهی قدرتمند تحت‌تأثیر روابط فرهنگ ایرانی و غربی است که در ادامه پیکرتکاری این دوره معنا می‌شود. تصاویر نقاشی در دوره ولیعهدی دارای نگاه آرمانی و با تزیینات فراوان در تصویر است که در دوره سلطنت و میانسالی دارای تضاد با دوره اول و چهره‌نگاری واقع‌گرایانه و با سادگی و معنا می‌شود و دارای کارکرد زیبایی‌شناسانه متفاوت است. غالب فضای تصویر فضای حاکم و مشروعیت سیاسی است و نمایی از بازنمایی شکوه و قدرت است که در دوره انتهایی روبه‌زوال می‌رود. ارتباط ساختاری و فرمی در قاب‌بندی‌های متأثر از عکاسی در کنار نیم‌تنه‌نگاری‌ها از مظفرالدین شاه قاب‌بندی شده است که نشانه‌هایی متأثر از فرهنگ غربی و عکاسی است. سادگی مظفرالدین شاه در دوره انتهایی نشانه‌هایی در جهت تغییراتی است که بر شرایط زمان رخ داده و به‌واسطه تحولات جامعه، برخاسته از فرهنگی متفاوت است و معنای متفاوت و تازه‌ای در نقاشی پیکرتکاری دوره مظفری تولید می‌کند.

پی‌نوشت

1. Bohnams
2. Sothby s
3. Christie s

منابع

- امانت، عباس. (۱۳۹۸). *قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران* (ترجمه حسن کامشاد). تهران: کارنامه.
- احمدپناهی، محمد. (۱۳۷۹). *مظفرالدین شاه قاجار: خودکامه کوچک*. تهران: نشر ندا.
- رجائی، ضیال‌الدین. (۱۳۸۹). انگیزه دادن نشان زانوبند به مظفرالدین شاه. *سیاسی اقتصادی*، (۲۷۷-۲۷۸)، صص. ۵۴-۶۳.
- رضوانی، محمداسماعیل. (۱۳۷۱). *مقدمه سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگ*. تهران: مستوفی.
- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۶۸). *کمال هنر: احوال و آثار محمد غفاری کمال‌الملک*. تهران: سروش انتشارات صدا و سیما.
- قائدان، اصغر. (۱۳۸۳). *عتبات عالیات*. تهران: نشر مشعر.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۹۹۱). *زندگی و هنر نقاشان قدیمی ایران* (جلد ۳). لندن: مستوفی.
- کاشانی، مهدی خان. (۱۳۶۱). *سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ*. تهران: فروزان.
- نبی‌سلیم، محمد و ریاضی، دودمان. (۱۳۹۷). *سفر اروپایی مظفرالدین شاه و ره‌آورد هنری آن*. *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ*، ۱۳(۵۲)، صص. ۷۷-۹۶.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۶). *کمال‌الملک آفریننده زیبایی، یادنامه کمال‌الملک* (به کوشش: داراب شباهنگی، بهنام، دهباشی علی). تهران: چکامه.
- Adamova, A.T & Bayani, M. (2015). *Persian Painting*. London: The Arts of the Book and Portraiture
- Diba, I.s. (1999). *Royal Persian Painting (The Qajar Epoch 1785-1925)*. Newyork: Broklyn Museum of Art.
- Khalili, N. D., Robinson B. W. & T. Stanley, T.(1997). *Lacquer of the Islamic Lands: Part Two*. London: University of London
- Raby,Julian.(1998). *Qajar Portraits, Azimuth Editions, Iran Heritage Foundation*. London, New York: I.B.Tauris Published.



©2023 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.en_GB